

# تأثیر موسیقی دهه ۶۰ بر جامعه آمریکا و جنگ ویتنام

شروین شهامی پور



کنتری جو



باب دیلن



جیمس هندیس

تبلخ می‌کردند. موسیقی نقش بسیار پیچیده‌ای را در شیوه زندگی هیپی ایفا می‌کرد. موسیقی احساسات و عقاید جوانان را منعکس می‌کرد و بدل به مفری برای نوجوانان جهت ابراز خود و به گوش رساندن عقاید و انتقاداتشان نسبت به اجتماع شد. موسیقی فولک انتخاب اوائل دهه ۶۰ بود. باب دیلن و جون بائزر مشهورترین خوانندگان سبک فولک در آن زمان بودند. اتحاد جنبش‌های حقوق مدنی و موسیقی فولک به ظهور ترانه‌های فولک با عنوان «ترانه‌های پیام‌آور» (Message Songs) انجامید. ترانه‌هایی چون Blowin in the wind از باب دیلن ذهن جوانان را در برابر مشکلاتی که اجتماع آمریکایی با آن روبه‌رو بود باز می‌کرد.

می‌خواستند در عشق، صلح و آزادی زندگی کنند. در میان دهه توفانی ۱۹۶۰ به نظر می‌رسید که موسیقی مرثیه‌ی مرکز نظامی نوظاه‌هاست. مطلق این دوره موزیسین‌ها در مقابل آن چه می‌دیدند، واکنش نشان می‌دادند و جوانان دهه ۶۰ شعار و ترانه‌های سروده آنان را می‌زیستند. برای هر موضوع و تئتری قطعه‌یی از هنرمندی چون باب دیلن، جیمز براون، آرنا فرنکلین، چپرسون ایرلین و بیتلز وجود داشت. برخی موسیقی دهه ۶۰ را تمام سقوط اخلاق و صرف ایده‌آل‌های ناپذیری جوانان می‌دانند. جنبش جوانان تبدیل به فرهنگ اعتراض شد و آن‌ها را میل به هیپی کرد. هیپی‌ها عرفان، صداقت و لذت را علیه خشونت

دهه ۶۰ در آمریکا مصادف است با نافرمانی اجتماعی، بی‌عدالتی جنسی و خشونت در داخل و خارج این‌ها فاکتورهایی بودند که به یک انقلاب فرهنگی منجر شد. انقلاب بران بود که تارو بود جامعه آمریکایی را از هم بگسلد. نوجوانان زندگی خطرناکی را سپری می‌کردند و در حال گسستن از ایده‌آل‌هایی بودند که والدین‌شان برپا داشته بودند. آن‌ها در این روند جامعه خود را خلق کردند؛ جوان بودند و این ایمان را داشتند که قادرند دنیا را دگرگون کنند. رهبرانشان به هدف‌های والاچی چشم دوخته بودند. مبارزین لوترکینگ، جون‌بوز رویای آمریکایی برابری را داشت و جان اف. کندی رویای ملت‌ی جوان و نیرومند که بشر را به ماه رساند. جوانان

آسجادهای صلح طلبانه را حمایت می‌کردند و سخنرانی‌های ضبط شده لوتر کینگ را در سراسر ایالات متحده پخش می‌کردند.

موسیقی فولک نیز سهم خود را در ترانه‌های آزادی خواهانه داشت. ترانه **Blowin in the Wind** از دیلن، می‌پرسد: یک مرد چقدر راه را باید پیماید تا این‌که او را یک مرد بخوانی؟... یک مرد چندبار می‌تواند سرش را برگرداند و وعده‌دهد که چیزی ندیده است؟... پاسخ: دوست من در باد دمیده شده، پاسخ در باد دمیده شده.

موسیقی راک در حال بنا نهادن پلی میان مرزهای نژادی بود. جیمی هندریکس، گیتاریست سیاه‌پوست، ستاره زمانه و مرکز توجه اصلی در فستیوال موسیقی وودستاک بود. جنبش‌های فمینیستی نیز در دهه ۶۰ تقویت

بزرگتر می‌گند، یک قرص کوچکتر و آن‌هایی که مادر به تو می‌دهد هیچ‌کاری نمی‌کنند.

جنبش حقوق مدنی شاید از لحاظ احساسی هجانی‌ترین جنبش دهه ۶۰ بود و این موسیقی بود که چنین احساسی را بازتاب می‌بخشید. موسیقی **Motown** و **Soul** میل به موسیقی محرک برای هنرمندان سیاهی شد که برای تسلوی حقوق می‌جنگیدند. ترانه‌های آرتا فرانکلین، کرتیس می فیلد و جیمز براون به‌خوبی احساسات این دوره را ابراز می‌کرد. وقتی که روحیه جامعه پایین بود قلماتی چون **ما برندگانیم** از کرتیس می فیلد و بلند بگو، من سیاهم و به این افتخار می‌کنم از جیمز براون، جوانان ستم‌دیده سیاه را قوت می‌بخشید و به آنان برای ادامه مبارزه روحیه می‌بخشید. قطعه آزادی از آرتا فرانکلین درست پس

قلماتی چون **تعلیمی مردم تنها می‌خواهند آزاد باشند**، از **The Rascoals**، ما باید پیروز شویم، از جون بلتز و زمانه در حال دگرگونی است، از باب دیلن. ترانه‌های پیام‌آوری بودند که به شروع توفان کمک کردند و انقلاب و نسل جوان را قوت بخشیدند. ترانه‌های این دهه به‌تدریج به سمت شاعرانگی، سمبول‌گرایی و عرفان به‌منظور شرح هرچه دقیق‌تر حال و هوای زمانه خود متمایل گشت. اما ترور جان اف. کندی به نقطه آغاز تجزیه جنبش موسیقی فولک تبدیل شد. سرخوردگی و شوک ناشی از ترور تأثیری فوق‌العاده قوی بر جوانان گذاشت. گرایش به مواد مخدر میل به آرم جنبش هیپی شد و برخی از گروه‌ها نیز این روند را در موسیقی خود به‌عمایش گذاشتند. این موسیقی به **اسپرادا** که مشهور شد که جیمی هندریکس، **Grateful Dead** و برخی دیگر،



جیمی هندریکس



میک جگر



جون بلتز



جیمز براون

شد. تعلیمی زنان مبارز آمریکا که از خوانندگی چون **Supremes**، آرتا فرانکلین، **Grace Slick** از جفرسون ایرلین و جنیس جابلین الهام گرفته بودند برای تسلوی حقوق می‌جنگیدند. ترانه **Respect** از فرانکلین که تقاضای تنها کمی احترام از جامعه دارد نمونه خوبی برای بیان احساسات زنان آن دوره بود. هر کسوت جابلین در حقیقت یک بیانیه سیاسی بود. صراحت او در طول اجراش و حضور او بر روی صحنه کاملاً مانند قدرت اجرای ستارگان مرد آن دوره بود.

مخالفت و تظاهرات، فرمان زمانه بود. حتی موزیسین‌ها هم در این تظاهرات شرکت می‌کردند و قطعاتشان آن را تصویرسازی می‌کرد. قطعه **هرد مبارز خیابانی**، **Street Fighting Man** از رولینگ استونز برگرفته از تظاهراتی بود که در لندن انجام

از ترور مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۶۸ ساخته شد. این قطعه دنیا را به این فکر واداشت که: **درد این‌باره فکر کنید که با من چه می‌خواهد بکنید**! بگذارید فکرتان رها شود و بگذارید که آزاد باشید! **اه آزادی**، آزادی **الغتم آزادی**، تنها ۳۸ ساعت پس از ترور مارتین لوتر کینگ ۱۲۰ شهر آمریکا در وحشت زنده کشیدن شعله‌های خشم فرو رفت. با وجود این جیمز براون در پوستون در یک کنسرت که از تلوویزیون پخش می‌شد خواستار توقف خشونت‌ها شد. او گفت: **ما سیاهیم، حالا ما با هم هستیم یا این‌که نیستیم؟** هیچ شورش در آن شب در پوستون روی نداد. موسیقی **Motown** حامی بزرگی برای جنبش حقوق مدنی محسوب می‌شد. **Motown** نخستین جنبش آمریکایی - آفریقایی بود که از دولت مجوز گرفت. آن‌ها

از پیشگامان آن بودند. موسیقی همچنان صلح و عشق را منتها با فضایی تیره و تاریک ابراز می‌کرد. سن‌فرانسیسکو در حال انفجار از جنبش راک بود و قلب فرهنگ هیپی شد. و مرکز آن ناحیه **Haight-Ashbury** بود. هزاران جوان تحصیل کرده طبقه متوسط در سن‌فرانسیسکو گرد می‌آمدند تا نسخه‌های فرهنگ اعتراضی را ابراز کنند. تابستان‌های آن دوره به‌عنوان **تابستان‌های عشق**، نامگذاری شدند. جوانان در خیابان‌ها می‌نشستند و بسا بسازهای‌شان ترانه‌های مورد علاقه‌شان را می‌خواندند. عیان موهای‌شان گل می‌گذاشتند و خود را با نام‌هایی چون **گودگان گل** و **یا نیروی گل** می‌نامیدند. قلماتی چون **خروگوش سفیده** از جفرسون ایرلین داستان‌هایی از تجربیات روان‌گردان گذشت‌مان می‌گوید. **یک قرص تو را**

شبکه‌های ارتش آمریکا در ویتنام سانسور می‌شدند و ترانه‌های ضد جنگ از آن پخش نمی‌شد. اما فرادوی شورشی، سربازان می‌نوشند با هم‌زمان خود صحبت کنند و ترانه‌ها را برایشان بخوانند. جنگ همچنین جهت‌گیری‌های طبقاتی و قشری داشت که در قطعات نمود پیدا می‌کرد. جیمی هندریکس قطعه‌ی منتشر کرده با عنوان *لاگر شش*، نه بود، 9 was 9 the 6 که نگرانی‌اش را شرح می‌داد می‌گوید: صحافخانه‌گران یقه سفید از خیابان می‌گذرند / انگشتشان را با سوزن من نشانه می‌روند / امضا دارند هرچه زودتر امتثال من بپذیرند / بپای مرد تاجر / نمی‌توانی مثل من لباس بپوشی / John Fogerty همچنین درباره روزهای که در ارتش بود می‌خواند، او در ترانه‌اش *پلام دپسر خوش اقبال*، در *Fortunate Son* در مورد جدایی

سال تشکیل می‌دادند. احساسات ضد جنگ هم در خانه و هم در ویتنام قوی بود و موسیقی قلب جنبش بود. سربازان به ترانه‌های ضد جنگ گوش می‌دادند و وقتی که در حال جنگ بودند عمل‌شان را مغایر با آن‌ها می‌دیدند. احساس جوانان این بود که آمریکا بدون هیچ دلیلی مردم بی‌گناه را کشتار می‌کند.

Country Joe در قطعه *I feel like I'm fixing you to die rag* که از مشهورترین قطعات ضد جنگ است می‌گوید: «همه‌تان بپایید ای مردان گنده و قوی، عموما دوباره محتاج کمک‌تون شده / خودش تو بد مخصوصی افتاخته / اون طرف پایین توی ویتنام / کتاب‌ها تون رو بگذارید زمین، تفنگ بردارید / هورا خیلی بهمون خوش می‌گذره / او یک، دو، سه برای چه می‌جنگیم؟ / زم نپرس، به یوزم

گرفت و خواننده گروه *Mick Jagger* در آن حضور داشت. هرچا که می‌روم صدای گام‌های راهب‌مایان مهاجم را می‌شنوم، او درست می‌گفته سراسر جهان از پاریس گرفته تا مکزیکوسیتی در حال اعتراضی و تظاهرات بودند. قطعه *Heiter Skelter* از بیتلز، از روح ستیزه‌جو را که می‌تواند معمولاً در هنگام تظاهرات رخ دهد و آن را خوشنما می‌زمرگبار کند، منعکس کرد.

*Smokey Robinson* احساس می‌کرد که تظاهرات می‌تواند نیروی قدرتمندی برای دگرگونی باشد. در قطعه‌ی به نام *حاضر شویده Get Ready* می‌گوید: «سردم برای قطاری که می‌آید آماده می‌شوند»

در سال ۱۹۶۸ بیتلز آلبومی دو تایی به نام *White Album* منتشر کرد. در آن آلبوم قطعه‌ی



آرتا فرنگلین

جان لئون

کرتیس می‌فیلد

مارتین لوتر کینگ

طبقی همچون جدایی میان سفیدان تروتند و فقیر صحبت می‌کند. او می‌گوید: «بهری مردم چشمانی بولک ستاره‌ی به ارت می‌برند / او تو را به جنگ می‌فرستند / او وقتی که می‌پرسی جقدر باید بدیم / تنها جواب می‌دهند: بیشتر، بیشتر، بیشتر»

هیچ جنبشی در تاریخ آمریکا مانند جنبش هیپی موجب دگرگونی فرهنگی نشد. موسیقی حمایت خود را در دوران پراشوب دهه ۶۰ قوت بخشید و قاطعانه و محکم هنگامی که دود ویرانی از ویتنام با حاشی تهدیدآمیز آسمان آمریکا را می‌پوشاند ایستادگی کرد. حتی بسیاری نیز برای آن عقیده‌اند که تأثیرات موسیقی و همچنین عکاسی از مهم‌ترین عوامل پایان دهنده جنگ ویتنام بودند. موسیقی حمایت خود را از جنبش‌های ضد جنگ و حقوق مدنی در دوره‌های بعد نیز ادامه داد و بخشی

هم نیست / مقصد بدی ویتنامه / هورا همه‌مون می‌شیریم / قطعه *دیلن* یا عنوان *از خانه در حال دگرگونی است* به او ایام امروز هشدار می‌دهد که آمریکا هوشتیاری، نوبتی را تجربه کرده است دولت باید با هجوم گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه، به خصوص جوانان رویبرو شود. بسیاری از قطعات شرایط ویتنام را تشریح کردند. مانند *سه ارغوانی* و *Purple haze* اثر هندریکس که تصویری است از محل فرود هلی‌کوپترها که با گازهای رنگی مشخص می‌شوند. هنگام با شورش‌های خنگی، سربازان نیز شورش را به شیوه خود به‌نمایش می‌گذاشتند. در سال ۱۹۶۷ بسیاری از سربازان بیشتر از هر جرم دیگری به دلیل کشتن ماری‌جوانا دستگیر می‌شدند. حتی سربازان ایستگاه رادیویی مخصوص به‌خود داشتند. این قضیه به این دلیل بود که

بمقام انقلاب، *Revolution* وجود دارد. جان لئون شعر را به عنوان فراخوان تفنگ‌ها، بلکه به‌عنوان یک بیانیه شخصی برای تظاهرات نوشت: «بس می‌گویم می‌خواهم انقلاب کنی / آخ می‌دانی، ما همه می‌خواهیم دنیا را دگرگون کنیم / وقتی از نابودی حرف می‌زنی، برادر / می‌توانی نام مرا حذف کنی / ایتر است در عوض نعرات را آزاد کنی»

جنبش ضد جنگ شناخته شده‌ترین سیمای دهه ۶۰ است. هیپی‌ها شعارهای ضد جنگ را تبلیغ می‌کردند که مهم‌ترین‌شان جمله «عشق ببالاریند نه جنگ» *Make love not war* بود. تمامی مردان بین ۱۸ تا ۲۵ سال مجبور بودند که به خدمت زیر پرچم بروند. جنگ ویتنام پدیدمی بود که آمریکا تا به آن روز به‌خود ندیده بوده بود. درصد سربازان آمریکایی حاضر در ویتنام را جوانان بین ۱۹ تا ۲۲

می‌توانید به صلح جهانی هدیه دهید. **Give peace a chance**

در آخر باید این نکته را خاطر نشان ساخت که فراتر از تأثیر آجمالی موسیقی بر پدیده‌های بی‌وی ۶۰ داشت یادگار آن در قلب و ذهن نسل‌های بعدی نیز جاودانه ماند.

از فرهنگ و ذهنیت جوانان شد. آن‌ها در برابر اجتماع که حس نفرت و بی‌واری می‌آفرید، شورش می‌کردند. آن‌ها نیاز جهانی برای عشق و هارمونی را نشانه‌گذاری کردند. گریزگاه خود را در موسیقی یافتند. موسیقی‌یی که نیاز آن‌ها را برای آزادی شخصی و صلح اجتماعی ابراز می‌کرد و فریاد می‌زد

نمایشگاه هنر و موسیقی رودس تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۰، Goodyear Publishing company  
 جشنواره‌های اجتماعی دهه ۶۰، Twayne Publishers  
 جشنواره‌های اجتماعی دهه ۶۰، Basil Blackwell  
 نمایشگاه هنر و موسیقی رودس تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۰، Doubleday mc

# I ♥ WAR



## ترانه‌های ضد جنگ در سایت مور

Thurston Moore شصت ترانه ضد جنگ را بر روی وبسایت جدید خود [www.protest-records.com](http://www.protest-records.com) برای download مجالی قرار داده. این سایت چند هفته است که دایر شده و تنها در سه روز اول نیم میلیون مراجعه کننده داشته. و گیتاریست Sonic Youth صد‌ها ترانه و هزاران e-mail حمایتگر یا معترض دریافت کرده است.

Moore مثلاً یک e-mail مخالف می‌گیرد: چه چه جرائی مقابل مردان و زنان‌مان که در حال نبرد هستند می‌ایستی؟! البته با فعالی زیادی همراه است. و من می‌نویسم: مرتیکه زاکار، وحشیانه‌ترین چیزی که امروز خواندم e-mail تو بوده اما بیشتر چیزهایی می‌نویسند مثل: فحش قابل چاپ، و من می‌نویسم: صا به سیاست معترضیم. به مردم معترض نیستیم. من حش از آن‌هایی که دشوگ جنگ می‌نامیشان منتظر نیستیم. من از افکارشان

بهرارم اما این برای کسانی که آتش‌شان خیلی تند است مفهومی ندارد.

در کنار ترانه‌های عرضه شده اولیسه، **Bastle Boys (In a world Gone Mad)**

**Sonic Youth (Youth Against Fascism)** - **Cat Power (Rockets, Maybe Not)**

چون **Modly Peshes Kimya Dawson** و **Anthrax** و ترانه‌هایی از **Jonny Polansky**، **Peter Stuart** نیز اخیراً بر روی سایت قرار داده شده است.

از لحاظ زیبایی شناسانه بیشتر به چیزهای همچنان‌گیرتر توجه داریم.

از لحاظ ژانریک می‌گوییم ترانه‌های خیلی فولک مثل سبک‌های **New England Woodstock** یا **Fairvibe** برایشان احترام قائم ولی واقعاً فندجانی

جای من نیست. ولی سعی می‌کنم کمی وسیع‌تر نگاه کنم، چون دربارۀ برخورد حس است.

فردی که در این سایت فعالیت می‌کند، مور می‌گوید: برای من بیشتر این مهم است که خود را وقف آن چه می‌توانی انجام دهی بکنی. من نمی‌توانم در تظاهرات خیابانی و اعتراض‌های جسمانی فعال باشم. مرا می‌ترساند، خصوصاً با مسئولیتی که به عنوان یک پدر دارم. ترجیح می‌دادم انرژی‌ام را صرف چیزی مرتبط با موسیقی و برقراری ارتباط با مردم کنم.

در این سایت همچنین تعدادی استسیبل از هنرمند نیویورکی کریس حبیب قرار داده شده که می‌توان پرینت کرد و بر روی دیوارها رنگ کرد.

در این سایت تاکنون ۱۰۰ بخش قرار داده شده که روی هر بخش ده ترانه قرار دارد و تاکنون شش بخش از آن‌ها پر شده پاسخ‌گویی به **ha-mall** (مور به همه آن‌ها پاسخ می‌دهد) و دست‌بندی ترانه‌ها

بیش از آن چه فکر می‌کرد برایش وقت‌گیر شده اما نهایتاً کاملاً فعال است. مور می‌گوید: برای من

بیشتر این مهم است که خود را وقف آن چه می‌توانی انجام دهی بکنی. من نمی‌توانم در تظاهرات خیابانی

و اعتراض‌های جسمانی فعال باشم. مرا می‌ترساند، خصوصاً با مسئولیتی که به عنوان یک پدر دارم.

ترجیح می‌دادم انرژی‌ام را صرف چیزی مرتبط با موسیقی و برقراری ارتباط با مردم کنم.

□